



|| شماره ۷ || بهار سال سوم || بهمن ۱۳۹۸ ||

کتیبه کاشی‌های زرین فام، نسخه قابل استفاده در تصحیح متون ادبی

I حمید پورداود^I

II حسین مستاجران^{II}

III پرستو مسجدی‌خاک^{III}

(صص: ۱۶۰ - ۱۳۷)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

چکیده

کاشی زرین فام جدای از جنبه زیبایی و چشم‌نوازی به علت دیگری درخور توجه است و آن، تزئین حاشیه این کاشی‌ها با اشعاری از شاعران بلندآوازه است که جنبه زیبایی این کاشی‌ها را دوچندان کرده است. توجه به این کتیبه‌ها می‌تواند در برخی موارد راه‌گشای مصححان متون ادبی و رباعی پژوهان باشد، چراکه بعضاً صورت ضبط شده در کاشی‌ها با نسخ ادبی متفاوت است؛ تفاوتی که در اکثر موارد در چندین کاشی که احتمالاً هرکدام در کارگاهی متفاوت تولید شده‌اند، به یک صورت واحد دیده شده است و می‌تواند گویای رواج آن صورت ضبط در دوران تولید کاشی‌ها باشد. از طرفی در مواردی به علت درج تاریخ ساخت روی کاشی می‌توان انتساب بعضی از اشعار به شاعری خاص را به واسطه تقدم زمانی این کاشی‌ها بر سال تولد شاعر یادشده رد کرد. لازم به ذکر است که در برخی موارد نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود که ناشی از اشتباه کاتب بوده که ایجاب می‌کند با رعایت احتیاط به استفاده از این کاشی‌ها اقدام شود، چراکه نویسندگان این کاشی‌ها نیز عاری از خطا نبوده‌اند. اصلی‌ترین پرسش این پژوهش این‌گونه است: آیا می‌توان کتیبه کاشی‌های زرین فام را به عنوان یک نسخه در نظر گرفت؟ و اگر این چنین است تا چه میزان می‌توان این کتیبه‌ها را مهم تلقی نمود؟ روش پژوهش مبتنی بر خواندن کتیبه کاشی‌ها بوده و سپس به مقایسه رباعیات و اییات درج شده روی کاشی‌ها با صورت ضبط شده در نسخ ادبی اقدام شده است.

کلیدواژگان: کتیبه، کاشی زرین فام، متون ادبی، رباعی، نسخه ادبی.

I. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hamidpoordavood@yahoo.com

II. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

III. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران.

مقدمه

هنر کاشی‌کاری در دوره ایلخانیان به کمال خود رسید و به‌عنوان شاخصی تزئینی در فرهنگ و هنر معماری شناخته شد (لشکری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰). در این دوره کاشی زرین‌فام در اشکال و اندازه‌های مختلف و با طرح‌ها و نقوش و کتیبه‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفت که مطالعه هریک در بیان باورها و فرهنگ آن اعصار اهمیت دارد. مطالعه کتیبه این کاشی‌ها به لحاظ ادبی می‌تواند به محققان در تصحیح متون ادبی کمک کند، چراکه در برخی موارد در کتیبه این کاشی‌ها صورتی از اشعار درج شده که با صورت موجود در نسخ ادبی موجود متفاوت است، و یا به علت تقدم سال تولید کاشی بر تولد شاعر می‌توان انتساب شعری را به شاعری خاص رد کرد. اصلی‌ترین پرسش این پژوهش این‌گونه است: آیا در تصحیح متون ادبی می‌توان کتیبه کاشی‌های زرین‌فام را به‌عنوان یک نسخه قابل اعتنا به حساب آورد؟ و اگر این چنین باشد، تا چه میزان می‌توان این کتیبه‌ها را مهم تلقی نمود؟ اصلی‌ترین فرضیه مطرح شده را می‌توان این‌گونه بیان داشت: باتوجه به اینکه کاشی‌ها در گستره وسیعی و در مراکز مختلفی تولید شده‌اند، در مواردی که همگی کاشی‌ها در تفاوت با نسخ ادبی بر صورت خاصی از ضبط ابیات دلالت دارند، می‌توان برای کتیبه کاشی‌ها ارزش بیشتری قائل شد و از این قبیل کاشی در تصحیح انتقادی استفاده نمود. اما درخصوص اشعاری که تنها یک کاشی بیان‌گر آن است باید با احتیاط بیشتری و از تصحیح قیاسی نیز استفاده کرد و در این موارد تنها می‌توان به کتیبه کاشی‌ها به‌عنوان یک مکمل نسخه‌های خطی توجه نمود. باتوجه به اینکه مصححان نسخ ادبی هریک بعضاً نسخه‌های متفاوتی را متفاوتی را در دسترس داشته‌اند، ممکن است نظرات مصححان در انتساب یا رد انتساب بعضی اشعار به شاعری خاص متفاوت باشد و یا صورت ضبط اشعار با یکدیگر شباهت نداشته باشد. بنابراین نگارندگان خود را ناچار از بررسی چندین جلد با مصححان متفاوت از یک شاعر دیده‌اند و تکراری بودن منابع استفاده‌شده برای هر شاعر بدین نحو قابل توجه است. تقریباً کتیبه تمامی کاشی‌ها به جز چند مورد (کاشی ۳، ۸، ۹، ۱۳، رباعی اول ۱۴، ۱۶ و ۱۷) دقیقاً به همین صورت که در بحث آمده، در کاشی‌های تخت سلیمان (قوچانی، ۱۳۷۱) و کاشی‌های موزه مقدم (قوچانی، ۱۳۶۵) قید شده‌اند که به علت محدودیت، تصویر این کاشی‌ها آورده نشده، اما لازم است خواننده مقاله به این نکته که گویای بسامد این صورت ضبط است توجه نماید. همچنین در اهمیت کتیبه این کاشی‌ها باید گفت عبدالله قوچانی در اکثر آثار خود به این موضوع اشاره مستقیم کرده و حتی محققان را به استفاده از کتیبه کاشی‌ها با هدف تصحیح نسخ ادبی تشویق نموده است (قوچانی، ۱۳۷۱: ۲۴).

پرسش پژوهش: اصلی‌ترین پرسش این پژوهش این‌گونه است: آیا در تصحیح متون ادبی می‌توان می‌توان کتیبه کاشی‌های زرین‌فام را به‌عنوان یک نسخه قابل اعتنا به حساب آورد؟ و اگر این چنین است تا چه میزان می‌توان این کتیبه‌ها را مهم تلقی نمود؟

روش پژوهش

اکثر کاشی‌های آورده‌شده از تارنمای موزه‌های مطرح جهانی (موزه لوور، موزه متروپولیتن، موزه بریتانیا) برداشته شده و مابقی نیز از تارنماهای مرجعی چون «Sothebys» و «pinterest.com» دریافت شده است. درخصوص جامعه آماری این پژوهش باید گفت ابتدا بالغ بر ۱۰۰ کاشی فراهم شد که بخش زیادی به علت عدم اختلاف ابیات با صورت ضبط‌شده در نسخ کنار گذاشته شد و تنها همین تعداد به علت تفاوت با نسخ در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

در زمینه کاشی‌های زرین‌فام دوره اسلامی در ایران، پژوهش‌های جامعی از سوی محققان و

نویسندگان متعدد به چاپ رسیده است؛ از جمله می‌توان به کتاب‌هایی چون کاشی‌های ایرانی نوشته کاربونی و ماسویا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر هنر کاشی‌کاری ایران نوشته محمدیوسف کیانی و همکاران (۱۳۶۲)، کتاب کاشی‌های اسلامی نوشته ونیتیا پورتر (۱۳۸۰)، کتاب اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان نوشته عبدالله قوچانی (۱۳۷۱)، کتاب طرح و اجرای نقش در کاشی‌کاری ایران دوره اسلامی نوشته محمود ماهرالنقش (۱۳۶۱)، کتاب تاریخ هنر در ایران در دوره اسلامی تزئینات معماری نوشته مهدی مکی‌نژاد (۱۳۸۷)، کتاب راهنمای صنایع دستی نوشته موریس دیماند (۱۳۸۳) اشاره کرد. همچنین لشکری و همکاران در مقاله‌ای به بررسی نقوش کاشی‌های زرین فام آوه در دوره ایلخانیان پرداخته‌اند (لشکری و همکاران، ۱۳۹۳). نیز در مقاله کاشی‌های زرین فام دوره ایلخانان مغول (۱۳۸۱) نیرطهوری به مطالعه درخصوص نقوش کاشی‌های زرین فام در دوران اوج تولید این کاشی‌ها یعنی عصر ایلخانان پرداخته است. لازم به ذکر است که تا به حال تنها تحقیق صورت گرفته که بر طبق آن کتیبه کاشی‌ها و یا سفالینه‌های زرین فام خوانده شده باشد، تنها محدود به مطالعات عبدالله قوچانی در کتاب «اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان» (۱۳۷۱) و همچنین مقاله «اشعار فارسی روی کاشی‌های مجموعه دکتر حسن مقدم» (۱۳۶۵) بوده است.

بحث

همان‌گونه که اشاره شد، هدف نگارندگان در این پژوهش استفاده از کتیبه کاشی‌های زرین فام به عنوان نسخه با هدف تصحیح نسخ فارسی بوده است. در این پژوهش جمعاً ۱۹ کاشی انتخاب شد که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است مراکز مختلفی، از جمله شهرهای کاشان، جرجان، جیرفت، تخت سلیمان، آوه، ساوه، سلطان‌آباد، (صدیقیان و حاج‌ناصری، ۱۳۹۵: ۴۴؛ لشکری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰) و یا براساس متون تاریخی اصفهان و شیراز (کیانی و همکاران، ۱۳۶۲: ۲۱) برای ساخت این آثار در گذشته شناسایی شده‌اند. پس گستره جغرافیایی ساخت این کاشی‌ها خود تأییدکننده فرضیات مطرح شده است! زیرا اصلی‌ترین ایرادی که بر استفاده از کتیبه این کاشی‌ها با هدف تصحیح متون وارد می‌شود این است که تفاوت‌های موجود ممکن است حاصل اشتباه یک شخص بوده باشد! اما اثبات وجود چندین مرکز تولید در سراسر ایران این ایراد را رد می‌کند، چراکه امکان ندارد اشتباهات شخصی در نگارش بیتی خاص در گستره‌ای وسیع دقیقاً به یک صورت رخ داده باشد و تفاوت‌های موجود که اکثر کاشی‌ها به اتفاق بر آن دلالت دارد، در حکم رواج صورتی متفاوت از نسخ فعلی در دوره زمانی تولید این کاشی‌ها بوده است. چنان‌که گفته شد، عبدالله قوچانی نیز به مطالعه این کاشی‌ها پرداخته، اما بحث خاصی درخصوص اثبات صحت این کتیبه کاشی‌ها نکرده است و تنها به خواندن کتیبه کاشی‌ها پرداخته است (کاشی‌های معرفی شده در این تحقیق خوانده نشده و جدید هستند). با توجه به اینکه یکی از معتبرترین روش‌های تصحیح متون ادبی تصحیح انتقادی است، هرچه تعداد نسخه‌های که بر ضبط صورتی خاص دلالت می‌کنند بیشتر باشد، آن صورت ضبط از اطمینان بیشتری برخوردار است. بنابراین مطالعه تعداد بیشتری از کاشی‌ها هرچند با کتیبه مشابه، از اهمیت برخوردار است و می‌تواند به معنای تأیید کتیبه کاشی‌هایی باشد که قبلاً خوانده شده است. از آن گذشته تعداد زیادی از اشعار در هیچ‌کدام از کاشی‌هایی که قبلاً خوانده شده، دیده نشده است.

کاشی شماره ۱

این کاشی اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود و به دلیل وجود نقش شیر و خورشید مهم است (تصویر ۱).

- کتیبه کاشی:

غم با لطف تو شادمانی گردد
عمر از نظر تو جاودانی گردد
گر باد به دوزخ برد از کوی تو خاک
آتش همه آب زندگانی گردد

این رباعی به باباافضل کاشانی و مهستی گنجوی نسبت داده شده است (فیضی و همکاران، ۱۳۶۳: ۹۰؛ گنجوی، ۱۹۸۵: ۲۶). همین طور این رباعی در جُنگ رباعی به قلم سیدعلی میرافضلی با اندکی تفاوت در مصراع سوم به نام باباافضل کاشانی ثبت شده است: وریاد به دوزخ برد از کوی تو خاک (میرافضلی، ۱۳۹۴: ۳۶۸). همچنین به همین صورت که در کتیبه آورده شده، به فخرخالد هروی نیز منسوب گشته است (شروانی، ۱۳۷۵: ۵۹۳؛ بهشی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۲۲). در زنان مؤدب نیز این رباعی به مهستی گنجوی نسبت داده شده است، اما در مصراع سوم اندکی تفاوت دیده می شود و به جای «گر»، «ار» آورده شده است (حجازی، ۱۳۹۶: ۱۷۴).

با تفاوت بسیار این رباعی را به ابوسعید نیز نسبت داده اند:

دل از نظر تو جاودانی گردد
غم با الم تو شادمانی گردد
گر باد به دوزخ برد از کوی تو خاک
آتش همه آب زندگانی گردد

(ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۳۹: ۳۸؛ صندوقی، ۱۳۷۷: ۶۴ و نفیسی، ۱۳۵۰: ۲۶).

همچنین این رباعی با اختلاف جزئی، در رباعی نامه شیرازی به سیف الدین اسفرنکی نسبت داده شده است:

به جای «غم با لطف تو» «غم از لطف تو... آمده است (بهشی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۲).

- ادامه کتیبه:

رو دیده بدوز تا دلت دیده شود
زان دیده جهانی دگرت دیده شود
گر تو ز سر پسند خود برخیزی

احوال تو سربه سر پسندیده شود (باباافضل، ۱۳۱۱: ۱۳۵).

این رباعی در رباعیات باباافضل به تصحیح مصطفی فیضی و همکاران نیز به همین صورت به باباافضل و مولانا جلال الدین بلخی نسبت داده شده، اما در پاورقی به جای «رو»، «تو» و به جای «دگرت»، «دیگرت» و به جای «احوال»، «اوصاف» نیز آورده شده است (فیضی و همکاران، ۱۳۶۳: ۹۰).

- ادامه کتیبه:

بخور هرچه داری فزونی بده
تو رنجیده (ای) بهر دشمن منه

در پایان نیز سال ساخت کاشی درج شده است: کتب ذلک فی شهر شوال سنه خمس ستین ست مئه (۶۶۵ ه.ق.). مفهوم مذهبی نقش شیر و خورشید در هنر اسلامی از اواخر دوره سلجوقیان به بعد مشاهده می شود و این نقش به عنوان نماد شیعه در مقابر امامزاده ها و مراکز شیعی مورد استفاده قرار گرفته است (خزائی، ۱۳۸۰: ۴۰).

در تفکر شیعی شیر نمادی از حضرت علی علیه السلام و خورشید نشانی از پیامبر صلی الله علیه و آله است (خزایی، ۱۳۸۰: ۴۰؛ خزائی، ۱۳۸۷).

سنایی غزنوی در این مورد چنین می سراید:

سراسر جمله عالم پُر ز شیر است
ولی شیری چو حیدر با سخاکو
فردوسی شاعر شیعی در شاهنامه در این مورد چنین سروده است:
نبی آفتاب و صحابان چو ماه
به هم پستی یکدگر راست راه (فردوسی؛ به نقل از خزائی، ۱۳۸۰: همان).

این کاشی در بقعه امامزاده جعفر دامغان نصب شده بوده (قوچانی، ۱۳۷۱: ۳۸)، یعنی یک کاشی با نماد شیعی برای نصب در مقبره یک امامزاده تولید شده است. حال بسیار بعید است که سازنده کاشی که احتمالاً خود نیز شیعه بوده، با وجود اینکه باباافضل کاشانی (شاعر شیعه) در زمان ساخت این کاشی در سال ۶۶۵ ه.ق. در قید حیات بوده و به واسطه تقوا و کرامت در عهد خود نیز معروف بوده، به استفاده از ابیات شاعری سنی مذهب اقدام کرده باشد! و ابیات یک شاعر سنی مذهب را در مقبره امامزاده‌ای صاحب احترام برای شیعیان به نمایش گذاشته باشد. همچنین باید توجه داشت که احتمالاً از دید سازندگان کاشی‌ها، باباافضل به واسطه اینکه صاحب کرامت بوده، نوشتن اشعارش در یک مکان مذهبی بدون شک دارای ثواب بوده است! بنا به دلایل پیش‌گفته، رباعی اول نیز احتمالاً نمی‌تواند از مهستی و ابوسعید باشد، چراکه هردو شاعران سنی مذهب بوده‌اند و از طرفی تفاوت این رباعی با رباعی‌ای که به ابوسعید نسبت داده شده، بسیار زیاد است.



تصویر ۱. کاشی زرین فام با نقش شیر و خورشید موزه لوور (www.louvre.fr/en، شماره موزه: ۵۰۱۵۴۵-۰۸).

کاشی شماره ۲ (۱-۲)

کاشی دیگری در موزه متروپولیتن موجود است که با ابیاتی از داستان رستم و سهراب کتیبه‌نویسی شده است (تصویر ۲).

- کتیبه کاشی:

ز موبد برین گونه داریم یاد
کی^۳ رستم بر اراست از بامداد^۴
این بیت در تصحیح خالقی در متن اصلی بدین‌گونه آمده است
ز موبد برین‌گونه برداشت یاد
کی یک‌روز رستم هم از بامداد (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۱۹).

و در بخش نسخه‌بدل‌های لن، لی، پ: به جای «برین»، «بدین» آمده است. تنها در نسخه فلورانس به جای «برداشت»، «داریم» بوده که مطابق با کاشی معرفی شده است و از این لحاظ حائز اهمیت است. همچنین در نسخه‌های سین-واو، لام، ب، نیز لام، لم، سین آمده «که رستم برآراست»، اما دیگر نسخه‌ها متفاوت است (همان).

- ادامه کتیبه:

غمین بد دلش ساز نخجیر کرد
کمر بست و ترکش پراز تیر کرد
در نسخه فلورانس «غمی شد دلش» آمده است (همان).

- ادامه کتیبه:

چو نزدیکی مرز توران رسید
بیابان سراسر پراز گور دید
بخندید چون گل رخ تاج بخش
برافروخت و از جای برگرد رخس
در همه نسخه مورد استفاده خالقی «برافروخت» در ابتدای بیت و بخندید در آغاز مصراع دوم آمده است (همان).

- ادامه کتیبه:

به تیر و کمان و گرز و کمند
بیفکند بر دشت نخجیر چند
ز خار و ز خاشاک و شاخ درخت
یکی آتشی بر...^۵
جای خار و خاشاک نیز عوض شده.
نسخه‌های سین، قاف، واو، آ، ب، مطابق کتیبه معرفی شده با یک تفاوت که به جای «شاخ»، «برگ» و تنها نسخه «واو» دقیقاً مطابق با کتیبه این کاشی آمده است^۶ (این بیت دقیقاً مطابق با نسخ مورد استفاده خالقی است)، (همان).



تصویر ۲. کاشی زرین فام با ابیاتی از داستان رستم و سهراب موزه متروپولیتن (metmuseum.org). شماره موزه: ۴۱.۱۶۵.۱۱.

کاشی شماره ۳ (۲-۲)

این کاشی از تارنما (Sothbys) گرفته شده است و با چند بیت از داستان رستم و سهراب کتیبه نگاری شده است (تصویر ۳).

- کتیبه کاشی:

به تیر و کمان و بگرز و کمند
بیفگند بر دشت نخجیر چند
ز خار و ز خاشاک [شاخ^۷] درخت
یکی آتشی برفرزید سخت

چو آتش پراگنده شد پیلتن
درختی بجست از در بابزن
یکی نره‌گوری بزد بر درخت
کی در چنگ او پر مرغی نسخت^۸
چو بریان شد از هم بکند و ...



تصویر ۳. کاشی زرین فام با ابیاتی از داستان رستم و سهراب (sothebys.com).

کاشی شماره ۴ (۲-۳)

در یکی از کاشی‌های موزه مقدم نیز ابیاتی از داستان رستم و سهراب آمده است. این کاشی در سال ۶۶۱ ه.ق. ساخته شده و چهار بیت نوشته شده بر آن از حماسه سرای مشهور ایران، فردوسی است (تصویر ۴).

- کتیبه کاشی:

[ز موبد] برین گونه داریم یاد
کی رستم برآراست از بامداد
غمی بد دلش ساز نخجیر کرد
کمر بست و ترکش پراز تیر کرد
سوی مرز توران بد [او] بنمود راه
چو شیری که باشد دژم کینه خواه
همی راند تا [مرز] توران رسید
بیابان سراسر پراز گور دید
بعد از اشعار تاریخ ساخت کاشی چنین آمده است: «و کتب فی شهر ۶۶۱».



تصویر ۴. کاشی زرین فام با ابیاتی از داستان رستم و سهراب موزه مقدم (نگارندگان).

کاشی شماره ۵ (۲-۴)

این کاشی نیز در موزه متروپولیتن موجود است که برطبق تاریخ مندرج در خود کاشی، مربوط به سال ۶۶۵ ه.ق. است. روی این کاشی نیز ابیاتی از فردوسی آورده شده است (تصویر ۵).

- کتیبه کاشی:

ز موید برین گونه داریم یاد
کی رستم برآراست از بامداد
غمی بد دلش ساز نخجیر کرد
کمر بست و ترکش پر از تیر کرد
چو نزدیکی مرز توران رسید
بیابان سراسر پر از گور دید
برافروخت چون گل رخ تاج بخش
بخندید وز جای برکنند رخس
به تیر و کمان و بگرز و کمند
بیفکند بردشت نخجیر چند
فی شعبان المبارک خمس و ستین (منظور ۶۶۵ ه.ق.)
در هر دو کاشی بیت ذیل حذف شده است!
«سوی مرز توران چو بنهاد روی
چو شیر دژاگاه نخجیرجوی»



تصویر ۵. کاشی زرین فام با ابیاتی از فردوسی موزه متروپولیتن (metmuseum.org. شماره موزه: ۴۱.۱۶۵.۱۷).

کاشی شماره ۶

این کاشی نیز در مجموعه کاشی‌های موزه متروپولیتن قرار دارد (تصویر ۶).

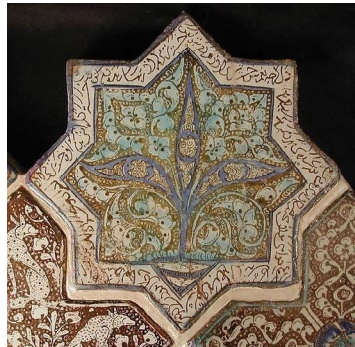
- رباعی اول:

دل گرچه به غم سوخته‌تر می‌گردد
هر دم به تو آموخته‌تر می‌گردد
زنهار مده دم که [درین] خسته‌دل
آتش به دم افروخته‌تر می‌گردد
به جمال‌الدین اشهری نسبت داده شده است (شروانی، ۱۳۷۵: ۲۷۷). این رباعی در
نزهة‌المجالس به سلیمان‌شاه ایوه‌ای منسوب گشته و این‌گونه آمده است:
هرچند دلم سوخته‌تر می‌گردد
هر دم به تو آموخته‌تر می‌گردد

زنهار دمدم مده که در کوره دل
 آتش به دم افروخته ترمی گردد (همان: ۴۷۴)
 در ادامه کاشی چند کلمه نوشته شده که به علت آسیب، قابل خواندن نیست (گل اندودن ...
 گرد در دهن شیرشوی بهر طمع / آخر به شکار گور خواهی بودن) و بعد از آن بیتی از فردوسی که در
 اکثر کاشی‌ها تکرار شده آمده است.

- ادامه کتیبه:

بخور هرچه داری فزونی بده
 تو رنجیده‌ای بهر دشمن ...



تصویر ۶. کاشی زرین فام موزه متروپولیتن (metmuseum.org). شماره موزه: ۱۶۵.۱۲. (۴۱).

کاشی شماره ۷

این کاشی نیز در (Sothbys) به نمایش درآمده است (تصویر ۷).

- کتیبه کاشی:

گفتی که ترا شوم، مدار اندیشه
 دل خوش کن و بر صبر گمار اندیشه
 کو صبر و کدام دل؟! چه می‌گویی تو؟
 یک ق...دیشه^۱
 این رباعی نیز با تفاوت‌هایی به عایشه سمرقندی نسبت داده شده است.
 گفتی که ترا شوم، مدار اندیشه
 دل خوش کن و بر صبر گمار اندیشه
 گفتم که چه دل؟ کآنچه دلش می‌خوانی
 یک قطره خون است و هزار اندیشه (شروانی، ۱۳۷۵: ۲۵۳).
 به اوحدی کرمانی نیز نسبت داده شده است.
 دل خوش کن و بر صبر گمار اندیشه
 یعنی که دگر به دل مدار اندیشه
 کو صبر و کدام دل؟ چه می‌گویی تو
 یک قطره خون است و هزار اندیشه (بهشتی، ۱۳۵۶: ۱۷۳).
 به باباافضل کاشانی نیز نسبت داده شده است.
 گفتی که ترا شوم، مدار اندیشه
 دل خوش کن و بر صبر شمار اندیشه
 کو صبر و چه دل؟! آنچه دلش می‌خوانی
 یک قطره خون است و هزار اندیشه (باباافضل، ۱۳۵۲: ۱۸۳).

این رباعی به حافظ نیز این‌گونه نسبت داده شده است.
گفتی که ترا شوم، مدار اندیشه
دل خوش کن و بر صبر گمار اندیشه
کو صبر و چه دل کانچه دلش می‌گویی
یک قطره خون است و هزار اندیشه (حافظ، ۱۳۷۵: ۱۱۰۵).
اما باتوجه به سال ساخت این کاشی که «۶۱۴» است، این رباعی نمی‌تواند متعلق به حافظ باشد.

به خاقانی نیز نسبت داده شده و در پاورقی ضبط‌های متفاوتی از آن آورده شده است.
گفتی که ترا شوم، مدار اندیشه
دل خوش کن و بر صبر گمار اندیشه
کو صبر و کدام دل؟! چه می‌گویی تو؟
یک قطره خون است و هزار اندیشه (خاقانی، ۱۳۹۱: ۷۳۴).
- ادامه کتیبه:

دل گرچه به غم سوخته‌تر می‌گردد
هر دم به تو آموخته‌تر می‌گردد
زنهار مده دم که [درین] خسته‌دل
آتش به دم افروخته‌تر می‌گردد
در انتها نیز سال ساخت کاشی آمده است: الرابع عشر ست مئه (۶۱۴).



تصویر ۷. کاشی زرین فام (sothebys.com).

کاشی شماره ۸

این کاشی در موزه بریتانیا قرار دارد.^{۱۱} در قسمتی از کتیبه آن دو بیت از مقطعات سنایی نوشته شده و برطبق تاریخ نوشته شده متعلق به «... خمس و سبعون!» که احتمالاً منظور سال ۶۷۵ ه.ق. است (تصویر ۸).

- متن کتیبه:

گردش گردون دون آزادگان را آخر است
[...] دل آزاده‌ای کز زخم او مجروح نیست
در عنا تا کی توان بودن بامید بهی
گر کسی را صبر ایوب است عمر نوح نیست
این دو بیت نیز با آنچه در نسخ آمده تفاوت‌های فاحشی دارد.

ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد
کو دل آزاده‌ای کز تیغ^{۱۲} او مجروح نیست
در عنا تا کی توان بودن به امید بهی

هرکسی را صابری ایوب^{۱۳} و عمر نوح نیست (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۰۵۴ و ۱۰۵۵؛ سنایی، ۱۳۸۸: ۶۰۸)
لازم به ذکر است که در نسخ مطالعه شده ترکیب «زخم او» بیشتر استفاده شده است (ن. ک، به: سنایی، ۱۳۸۸).

در ادامه نیز «نگه دار بادا» آمده که با توجه به مرمت اشتباه، بقیه بیت از بین رفته است (نگه دار بادا جهان آفرین / به هر جاکه باشد خداوند این) و در آخر، سال ساخت کاشی خمس و سبعون و در ادامه ... عن حوادث الایام.



تصویر ۸. کاشی زرین فام با ابیاتی از سنایی موزه بریتانیا (britishmuseum.org، شماره موزه: 1123+oa).

کاشی شماره ۹

این کاشی در موزه متروپولیتن^{۱۴} قرار دارد. در این کاشی دو رباعی آمده که با تغییراتی به باباافضل کاشانی نسبت داده شده است (تصویر ۹).

- متن کتیبه:

در جستن^{۱۵} جام جم جهان پیمودم
روزان نه نشستم و شبان نغنودم
ز ستاد^{۱۶} چو وصف جام جم بشنودم
خود جام جهان نمای جم، من بودم
در رباعیات باباافضل به کوشش سعید نفیسی این رباعی این گونه آمده:

در جستن جام جم جهان پیمودیم
روزی ننشستیم و شبی ناسودیم
ز استاد چو وصف جام جم پرسیدیم
خود جام جهان نمای جم ما بودیم

نفیسی گفته این رباعی منسوب به خیام نیز هست و با قافیه مفرد هم آمده است (باباافضل، ۱۳۱۱: ۱۵۳). همچنین در دیوان باباافضل نیز این رباعی به همین صورت آمده است و در پاورقی ذکر شده که از خیام و زین الدین نسوی نیز می تواند باشد و با قافیه مفرد نیز می تواند صحیح باشد (فیضی و همکاران، ۱۳۶۳: ۱۴۵). همچنین در رباعی نامه به اهتمام شیرازی، این رباعی به شیخ روزبهان بقلی شیرازی متوفی به سال ۶۰۶ ه.ق. نسبت داده شده است (بهشی شیرازی، ۱۳۷۲: ۳۱۹).

در ادامه رباعی دیگری از باباافضل آمده:

در جستن جام جم ز کوه نظری
هر لحظه گمانی نه به تحقیق بری
رو دیده به دست آر که هر ذره خاک
[...] می ست جهان نمای چون درنگری

سعید نفیسی در رباعیات باباافضل مصراع آخر را این گونه آورده است: جامیست جهان نما چو در وی نگری (باباافضل، ۱۳۱۱: ۱۸۰. رباعی ۴۵۵). در دیوان باباافضل به قلم فیضی و همکاران نیز این رباعی با تفاوت در مصراع آخر آمده است: «جامیست جهان نما، چو در وی نگری» در پاورقی ذکر شده که «چون درنگری» نیز می تواند صحیح باشد (فیضی و همکاران، ۱۳۶۳: ۲۵۴). ذیل رباعیات باباافضل در رباعی نامه به جای «چون درنگری»، «چو در وی نگری» آمده است (بهشتی، ۱۳۵۶: ۲۰۱).



تصویر ۹. کاشی زرین فام با ابیاتی از باباافضل کاشانی موزه متروپولیتن (metmuseum.org، شماره موزه: ۱۴۹۷۱.۲۳۵.۱).

کاشی شماره ۱۰

این کاشی که در موزه لوور قرار دارد، نیز با نقش پرتکرار عاشق و معشوق نشسته در روبه روی هم و محصور در چند کادر آمده است. دو رباعی در این کاشی نوشته شده که رباعی اول منسوب به خیام است (تصویر ۱۰).

- متن کتیبه:

جز می ز هر آنچ^{۱۸} هست کو [تاهی به]
[وان] می ز کف بتان خرگاهی به^{۱۸}
رندی و قلندری و گمراهی به
یک جرعه [می] ز ماه تا ماهی به
این رباعی بدین صورت به خیام نسبت داده شده است.
از هر چه بجز می است، کوتاهی به
می هم ز کف بتان خرگاهی به
مستی و قلندری و گمراهی به
یک جرعه می ز ماه تا ماهی به (خیام، ۱۳۷۱: ۱۰۹).

- ادامه کتیبه:

دانی که چراست ای پسندیده من
پراشک دو دیده ستم دیده من^{۱۹}
می بگشاید ز آرزوی لب تو
آب از دهن مردمک دیده من

این رباعی با اختلاف جزئی در مصراع دوم در نزهة المجالس به مجدالدین بغدادی نیز نسبت داده شده است.

پرباب دو دیده ستم دیده من (شروانی، ۱۳۷۵: ۶۲۸). همچنین این رباعی دقیقاً به همین صورت که در کاشی مورد بحث آمده، در دو کاشی دیگر که در موزه لوور قرار دارد نیز تکرار شده است (www.louvre.fr/en شماره موزه: ۰۸-۵۰۱۵۴۵-۲۰).

در ادامه رباعی و بیتی که در کاشی بالا آمده بود تکرار شده است.

[نگه دار] با دا جهان آفرین^{۲۱}

[به هرجا] که باشد



تصویر ۱۰. کاشی زرین فام با ابیاتی از خیام (www.louvre.fr/en، شماره موزه: ۵۵۷۸۸۲-۱۲).

کاشی شماره ۱۱

کاشی زیبای دیگری نیز در گالری «sothbys» موجود است که در حاشیه آن، این رباعی دقیقاً به همین صورت آمده است (تصویر ۱۱).

- کتیبه کاشی:

جز می زهرآنچ هست کوتاهی به

وان می ز کف بتان خرگاهی به

رندی و قلندری و گمراهی به

یک جرعه می ز ماه تا ماهی به

- ادامه کتیبه:

ساقی ز غم زمانه سیر آمده ایم^{۲۲}

از قصه می لعل چو شیر آمده ایم

این کاسه لاجورد مردافکن چرخ

پر کن ز می ... که دیر آمده ایم

- ادامه کتیبه:

نگه کردن اندر همه کارها

به از در^{۲۳} و گوهر به خروارها

در گنج باز یافته این بیت با تفاوت‌های زیاد به ابوشکور بلخی نسبت داده شده است

(دبیرسیاقی، ۱۳۵۵: ۵۲):

شکیبایی اندر همه کارها

به از توشه زر به خروارها



تصویر ۱۱. کاشی زرین فام (sothebys.com).

کاشی شماره ۱۲

کاشی دیگری در همین تارنما به نمایش درآمده که در عین آسیب‌دیدگی فراوان، بسیار راه‌گشا است (تصویر ۱۲).

- کتیبه کاشی:

دانی کی چراست ای پسندیده من
 پراشک دو دیده ستم دیده من
 می بگشاید ز آرزوی لب تو
 آب از دهن م [...] ^{۲۴}
 در ادامه رباعی که در کاشی بالا آمده بود:
 ساقی ز غم زمانه سیر آمده‌یم
 بر قصه می لعل چو شیر آمده‌یم
 این کاسه لاجورد مرد افکن چرخ
 پر کن ز می ... که دیر آمده‌یم
ادامه کتیبه:

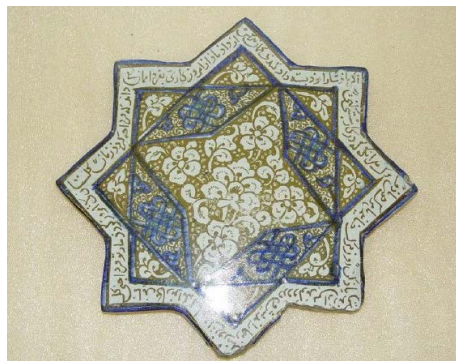
نگه کردن اندر همه کارها
 به از در و گوهر به خروارها



تصویر ۱۲. کاشی زرین فام (sothebys.com).

کاشی شماره ۱۳

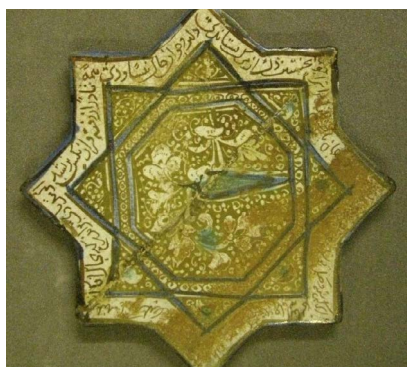
کاشی دیگری نیز در موزه بریتانیا موجود است که چند بیت از شاهنامه را آورده است (تصویر ۱۳).
 از امروز کاری به فردا ممان
 که داند که فردا چه گردد زمان
 گلستان که امروز گردد به بار
 تو فردا چنی گل نیاید به کار
 در همه نسخه مورد استفاده خالقی به جای «گردد به بار»، «باشد به بار» آمده است (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۸۹).
 بدانگه [که یابی تنی] زورمند
 ز بیمار اندیش و درد و گزند
 در کاشی مورد معرفی «ز بیمار اندیش» آمده حال آنکه در نسخه خالقی «ز بیماری» آمده است (همان).
 - ادامه کتیبه:
 پس از زندگی یاد کن روز مرگ
 چنانیم با مرگ چون باد و برگ
 بدان گه که در کار سستی کنی...^{۲۵}



تصویر ۱۳. کاشی زرین فام با ابیاتی از فردوسی موزه بریتانیا (britishmuseum.org، شماره موزه: g.490).

کاشی شماره ۱۴

کاشی بسیار زیبایی زینت بخش موزه بریتانیا شده که با وجود آسیب جدی، به سبب دارا بودن کتیبه پراهمیت می‌توان گفت این کاشی یکی از مهم‌ترین کاشی‌های بررسی شده است (تصویر ۱۴).
 در آغاز، یک رباعی منسوب به مولانا آمده است:
 ای گرسنه وصل تو سیران جهان^{۲۶}
 ...جهان
 با چشم ...^{۲۷}
 رباعی در نسخه این چنین آمده:
 ای گرسنه وصل تو سیران جهان
 لرزان ز فراق تو دلیران جهان
 با چشم تو آهوان چه دارند به دست
 ای زلف تو پای بند شیران جهان (مولوی، ۱۳۵۱: ۱۴۴۱).
 در ادامه یکی از ابیات مهم و پر بحث از داستان رستم و سهراب آمده است که متن کاشی این‌گونه خوانده شد:



تصویر ۱۴. کاشی زرین فام موزه بریتانیا (britishmuseum.org). شماره موزه: ۱۹۴۷.۱۱۱۰.۴.

نخستین دل از مرگ بستاندی (نستاندی)

دلیر و جوان خاک نپساودی!

این بیت در بیشتر نسخه‌های مبنای تصحیح خالقی مطلق و سه نسخه مهم دیگر، یعنی سعدلو (فردوسی، ۱۳۷۹: ۱۳۹)، حاشیه ظفرنامه حمدالله مستوفی (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۲۲) و سن ژوزف (فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۲۲) آمده است و در اصلی بودن آن نمی‌توان تردید کرد. خالقی مطلق نیز گویا این بیت را اصلی دانسته، ولی نوشته است که «به علت تخریب زیادی که شده است، فعلاً از متن بیرون نهاده‌ایم» (فردوسی، ۱۳۹۳: ۱۲۴). اما پیش از او، از میان تصحیحات معروف شاهنامه، این بیت چاپ ژول مول به صورت زیر آمده است: نخستین بدل مرگ بستایدی / دلیر و جوان خاک نپسایدی (فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۷).

کزازی این بیت را به گونه دیگری تصحیح می‌کند، به نظر کزازی صورت اصلی بیت چنین بوده است: نخستین تن از مرگ بفسایدی / دلیر و جوان خاک نپسایدی (فردوسی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۱۳).

نگارش کامل نسخه‌ها: ف: نخستین تن از مرگ بپسایدی / دلیر و جوان خاک نپسایدی

سن ژوزف (ژ): نخستین دل از مرگ نستاودی / دلیر و جوان خاک نپساودی

شاهنامه‌ی کوچک اول (ش): نخستین دل از مرگ نئسایدی (بی نقطه) / دلیر و جوان مرگ را شایدی

شاهنامه‌ی کوچک دوم (ش ۲): نخستین دل از مرگ بستاندی (حرف پنجم بی نقطه) / دلیر و جوان خاک نپساودی

سفینه تبریز: نخستین دل از مرگ نستاودی (حرف اول بی نقطه) / دلیر و جوان خاک نستاودی (حرف دوم بی نقطه)

س: اگر مرگ کس را نوئاردی (حرف چهارم بی نقطه) / ز پیرو جوان خاک نساودی (حرف اول بی نقطه)

لن: اگر مرگ کس را نیوباردی / ز پیرو جوان خاک بسپاردی

ق ۲: اگر مرگ را کس بتوباردی / ز پیرو جوان خاک بسپاردی

لی: نخستین دل از مرگ بستایدی / دلیر و جوان خاک را شایدی

پ: اگر مرگ کس را بتوباردی / ز پیرو جوان خاک نساودی (حرف اول بی نقطه)

و: پحستی دل از مرگ نستاودی / دلیر و جوان مرگ نپسایدی (حرف اول بی نقطه)

آ: اگر مرگ کس را نیازاردی / ز پیرو جوان خاک نساودی

ل ۲: نخستین دل از مرگ بستاندی / دلیر و جوان خاک را شایدی

ب: اگر مرگ کس را نیوباردی / ز پیرو جوان خاک نساودی

ل ۳: اگر مرگ کس را نیوباردی / ز پیرو جوان خاک بسپاردی

لن ۲: اگر مرگ کس را نیوباردی / ز پیرو جوان خاک بسپاردی
س ۲: اگر مرگ کس را نیوباردی / ز پیرو جوان خاک بسپاردی (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۱۸).

- ادامه کتیبه:

همه تا در آزر رفته فراز

به کس بر نشد...

- ادامه کتیبه:

اگر تند بادی بر آید ز کنج

به خاک افکند...

کاشی شماره ۱۵

کاشی بعدی که در موزه لوور قرار دارد و برطبق تاریخ تقریبی ارائه شده، در تارنمای موزه به قرن هفتم ه.ق. تعلق دارد (تصویر ۱۵).

- متن کتیبه:

زلفت کی دلم در خم او پیخته است

خون دل عاشقان بسی ریخته است

جاییست خطرناک دریغا کی در او

بیچاره دلم به مویی آویخته است

این رباعی به همین صورت در کاشی دیگری نیز تکرار شده است. سال ساخت این کاشی نیز این‌گونه آمده است «خمس ستین ستمنه» (تصویر ۱۵-۲). در مونس الاحرار این رباعی بدون ذکر نام سراینده این‌گونه آمده است.

زلفت که دلم در خمش آویخته است

خون دل عاشقان بسی ریخته است

چاهیست خطرناک دریغا که درو

بیچاره دلم به مویی آویخته است (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۱۱۹۵).

- ادامه کتیبه:

دل جای غم توست چنین تنگ کی هست

گل چاکر روی تو به هر رنگ کی هست

از آب دو چشم من بگردد هرشب

جز سنگ دلت هر آسیا سنگ کی هست

این رباعی با اندک اختلاف در مصراع اول به جای «چنین»، «چنان» آمده و به مهستی گنجوی نسبت داده شده است (گنجوی، ۱۹۸۵: ۱۴). همچنین این رباعی در نزهة المجالس به شاعری ناشناس (لغیره) نسبت داده شده است و اینجا نیز به جای «چنین»، «چنان» آمده است (شروانی، ۱۳۷۵: ۴۷۰) در دو کاشی دیگر که در موزه لوور قرار دارند و متعلق به امامزاده جعفر دامغان هستند نیز این رباعی دقیقاً به همین صورت که در کاشی در کاشی معرفی شده «خوانده شد» آمده است (www.louvre.fr/en شماره موزه: ۵۰۸-۵۰۱۵۴۵). آن‌گونه که در مورد کاشی شماره یک استدلال شد، باتوجه به نصب این کاشی در امامزاده جعفر دامغان، شاید بتوان ادعا کرد که این رباعی نیز متعلق به مهستی گنجوی نبوده است.

- ادامه کتیبه:

نگه دار بادا جهان آفرین

به هر جا کی باشد...



تصویر ۱۵-۲. کاشی زرین فام (ornament-stil).
livejournal.com/300484html.



تصویر ۱۵. کاشی زرین فام موزه لوور (www.
douvre.fr/en شماره موزه: ۱۲-۵۶۳۴۱۸).

کاشی شماره ۱۶

کاشی بعدی تارنمای گالری پینترست^{۴۸} دریافت شده، با دو رباعی به قرار زیر در قسمت کتیبه
 آراسته شده است (تصویر ۱۶).

- متن کتیبه:

چو روشن شود روی خرشید و ماه
 ستاره چرا بر فرازد کلاه

در متن مصحح خالقی به جای «شود»، «بود» آمده است و تنها نسخه‌های «لی» و «پ» «شود»
 داشته است (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۲۷).

- ادامه کتیبه:

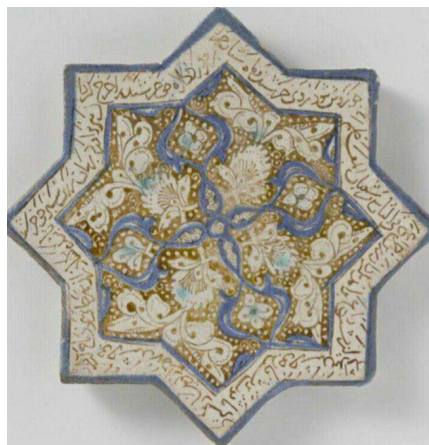
چو خرشید را چرخ گردان ببر
 بر آورد برسان زرین سپر

این بیت به همین صورت در تصحیح خالقی آمده است (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۰۲).

- ادامه کتیبه:

چو خرشید تابنده بگشاذ راز
 به هر جای بنمود تاج از فراز

متن مصحح خالقی دقیقاً به همین شکل آمده و در نسخه بدل‌ها نوشته شده نسخه‌های لام، آ،
 ب، نیز، لام، لن، سین به جای «تاج» و «چهر» (همان: ۳۲۲).



تصویر ۱۶. کاشی زرین فام گالری پینترست (www.pinterest.com/pin/253116441532070177).

- ادامه کتیبه:

چو خرشید برزد سراز کوهسار
 بگسترد یاقوت بر پشت قار
 در متن مصحح خالقی به جای «برزد سر»، «سر برزد» آمده است. متن کاشی مطابق است با
 نسخه‌های لام، قاف، پ، و، ب نیز لام، لم، سین (همان: ۴۰۵).

- ادامه کتیبه:

چو خرشید پیدا شد از پشت راغ
 برآمد بکردار زرین چراغ
 در متن مصحح خالقی به جای «چراغ»، «جناغ» آمده و متن کاشی مطابق نسخه‌های سین، ب،
 لام، لن، سین ۲ است (همان: ۴۱۴).

کاشی شماره ۱۷

در کاشی بعدی نیز که در تارنمای Sothebys به نمایش درآمده، رباعی‌ای به قرار زیر آورده شده است.

- کتیبه کاشی:

زلفت صنما دار دلم می‌گردد
 وین چرخ نه برکام دلم می‌گردد
 چوبک زن صبر کو کی دزد غم تو
 شب هاست که بر بام دلم می‌گردد
 این رباعی در کاشی دیگری در تخت سلیمان نیز به همین صورت نوشته شده است (قوچانی،
 ۱۳۷۱: ۹۰).

- ادامه کتیبه:

هیها؟! که ایام جوانی بگذشت
 سرمایه عمر جاودانی بگذشت
 [...] زندگانی بگذشت
 در دیوان عراقی نیز با اندکی اختلاف آمده است: افسوس که ایام جوانی بگذشت / سرمایه عیش
 جاودانی بگذشت
 تشنه به کنار جوی چندان خفتم
 کز جوی من آب زندگانی بگذشت (عراقی، ۱۳۸۴: ۲۲۲).
 با تفاوت‌هایی به ابوسعید نیز نسبت داده شده است: افسوس که ایام جوانی بگذشت / دوران
 نشاط و کامرانی بگذشت
 تشنه به کنار جوی چندان خفتم
 کز جوی من آب زندگانی بگذشت (صندوقی، ۱۳۷۷: ۲۳).
 در نهایت سال ساخت کاشی: «فی شهر سنه ... سبعین و ستمائه» (تصویر ۱۷).

کاشی شماره ۱۸

کاشی بعدی نیز در آغاز با رباعی که در بالا آمد، تزئین شده است.

کتیبه کاشی:

دانی که چراست ای پسندیده من
 پراشک دو دیده ستم دیده من
 می‌بگشاید ز آرزوی لب تو



تصویر ۱۷. کاشی زرین فام (sothebys.com).

آب از دهن مردمک دیده من

- ادامه کتیبه:

گفتم کی مگر غمت بود درمانم

کی دا [...] که با غمت درمانم

بر خاک درت فتاده می دانستم

کاندر پی تو چو حلقه بر در مانم

در نزهة المجالس این چنین به ملک طغانشاه منسوب گشته: گفتم که مگر غمت بود درمانم

کی دانستم که با غمت درمانم

بر خاک درت نشسته می دانستم

کز دست غمت چو حلقه بر درمانم (شروانی، ۱۳۷۵: ۲۸۴).

در کلیات شمس این گونه آورده شده:

گفتم که مگر غمت بود درمانم

کی دانستم که با غمت درمانم

او از سر لطف گفت درمانت چیست

گفتم وصلت، گفت بر این درمانم (مولوی، ۱۳۵۱: ۱۴۳).

- ادامه کتیبه:

نگه دار بادا جهان آفرین

بهر جا [...] خداوند این

کاشی بر طبق تاریخ درج شده، احتمالاً متعلق به ۶۶۵ ه.ق. است (خمس و ستین ستمائنه).

رباعی آخر به همین صورت که ذکر شد، در ظرف زرین فام متعلق به آغاز قرن هفت ه.ق. نیز آمده

(قوچانی، ۱۳۷۱: ۷۴)، پس این رباعی نمی تواند از مولانا باشد (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸. کاشی زرین فام (www.i.pinimg.com/originals).

کاشی شماره ۱۹

- کتیبه کاشی

دوش از غم تو «سخت» مشوش بودم
تا روز ز دست شب بر آتش بودم
لیک ارچه سیاه بود دلگیر و دراز
با او به خیال ...

در دیوان خلاق و المعانی این رباعی این‌گونه آمده است: دوش از غم تو «نیک» مشوش بودم
تا روز ز دست شب بر آتش بودم
لیک ارچه سیاه بود دلگیر و دراز
با او به خیال زلف تو خوش بودم (کمال‌الدین، ۱۳۴۸: ۸۳۶).

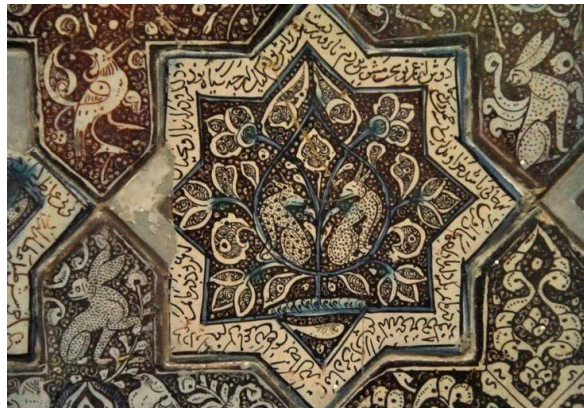
- کتیبه بعدی:

[...] غمت بود درمانم
کی دانستم کی با غمت درمانم
بر خاک درت فتاده می‌دانستم
کاندر پی تو چو حلقه بر درمانم

- ادامه کتیبه:

نگه دار بادا جهان آفرین
به هر جا کی باشد خداوند این

و در نهایت سال ساخت کاشی: سنه خمس و ستین و ستمائنه (۶۶۵ ه.ق.)، (تصویر ۱۹).



کاشی ۱۹. کاشی زرین فام (ornament-stil.livejournal.com/300484html).

نتیجه‌گیری

کاشی زرین فام جلوه‌ای است از هنر و ادبیات. در اکثر این کاشی‌ها با توجه به محدودیت فضا سعی شده بیشتر از رباعیات فارسی به جهت کتیبه‌نگاری استفاده شود، چراکه در فضایی کم، امکان انتقال معنی و مفهومی وسیع فراهم بوده است. در بعضی موارد این ابیات با صورت‌های ضبط‌شده در نسخ ادبی موجود اختلاف دارند. در اکثر مواقعی که اختلاف مشاهده می‌شود، کاشی‌های زرین فام بر صورتی خاص تأکید دارند؛ موضوعی که می‌تواند بر رواج صورت قیدشده در ادوار گذشته دلالت داشته باشد. آن‌گونه که گفته شد، این کاشی‌ها در گستره‌ای وسیع در ایران اسلامی تولید می‌شده‌اند و همین موضوع می‌تواند اهمیت این کاشی‌ها را بیشتر کند، چراکه اگر معتقد باشیم اختلاف بین نسخ و کاشی‌ها به دلیل اشتباه کاشی‌ساز بوده، چگونه ممکن خواهد بود که این

اشتباه در یک گستره وسیع و چند کارگاه متفاوت و در چند کاشی دقیقاً به یک صورت رخ داده باشد؟! اما مواردی نیز دیده شد که در بین کاشی‌ها اختلاف وجود دارد، آن‌گونه که دیده شد این اختلاف اکثراً در کاشی‌هایی با ابیات شاهنامه وجود دارد. شاید علت این باشد که در گذشته نیز نسخه‌های شاهنامه از نظر تعداد، بسیار زیاد بوده‌اند، آن‌چنان‌که تعدد این نسخ را در توضیحات کاشی شماره ۱۴ می‌توان دید. همچنین بیشتر صورت‌های ضبط‌شده در این کاشی‌ها دست‌کم با یک نسخه هم‌خوان است. از طرفی آن‌گونه که در کاشی‌های شماره ۱، ۷، ۱۵ و ۱۸ دیده شد، با استفاده از این کاشی‌ها می‌توان انتساب شعری را به شاعری خاص مورد تردید قرار داد. باید توجه داشت که سازندگان این کاشی‌ها نسخه‌شناس نبوده‌اند و ممکن است در مواردی نیز دچار اشتباه شده باشند. به همین دلیل مخصوصاً در مواردی که یک شعر تنها در یک کاشی آمده، باید در استفاده از کتیبه این کاشی جانب احتیاط را رعایت کرد، چراکه این تفاوت می‌تواند ناشی از اشتباه کاتب بوده باشد.

پی‌نوشت

1. Britishmuseum.org, Metmuseum.org, Louvre.fr/en
۲. با توجه به تکراری بودن بعضی از کتیبه‌های آورده شده شماره‌گذاری ثانویه نیز لازم دانسته شد.
۳. در سبک خراسانی گاهی به جای «که»، «کی» می‌آمده است.
۴. این چند بیت در کاشی دیگری در موزه دکتر مقدم نیز به همین صورت درج شده‌اند (قوچانی، ۱۳۶۵: ۷۸).
مثال: ز موبد بر این‌گونه داریم یا کی رستم غمی بود از بامداد
۵. به علت تمام شدن فضای کتیبه ادامه مصراع آخر نوشته نشده است (یکی آتشی برفروزی سخت).
۶. در دیگر نسخ، چند کلمه آغازین به صورت نامنظم متفاوت است و پرداختن به آن‌ها در این بحث نمی‌گنجد.
۷. نگارنده کتیبه، این کلمه را از قلم انداخته است
۸. به معنای «نیارزیدن و ارزش نداشتن و همسنگ نبودن». نه + سخت یعنی در دست او به اندازه پر مرغ وزن نداشت، ارزش نداشت.
۹. این بیت دقیقاً مطابق با نسخ مورد استفاده خالقی است (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۱۹).
۱۰. بخش اعظم این مصراع از بین رفته و مرمت شده است (یک قطره خون است و هزار اندیشه).
11. Britishmuseum
۱۲. در پاورقی «ضرب او» هم آمده.
۱۳. در پاورقی «گر کسی را صبر ایوب» هم آمده.
14. Metmuseum
۱۵. کلمه «جستن» به سختی قابل خواندن است.
۱۶. به جای «ز استاد»، «ز ستاد» آمده تا وزن درست‌تر باشد و این نیز شاهی بر تسلط نویسنده این کتیبه‌ها بر اوزان است.
۱۷. در سبک خراسانی به جای آن چه، آنچه آورده می‌شده است.
۱۸. این رباعی نیز به همین صورت در یکی از کاشی‌های مجموعه دکتر مقدم آمده است (قوچانی، ۱۳۶۵: ۸۱).
۱۹. این رباعی به همین صورت در یکی از کاشی‌های موزه دکتر مقدم ضبط شده است (قوچانی، ۱۳۶۵: ۷۹).
۲۰. به علت محدودیت صفحات تصویر آورده نشده است.
۲۱. کلمه «آفرین» به سختی از ریز رنگ قهوه‌ای لعاب قابل خواندن است.
۲۲. شیوه نوشتن کلمه «آمده‌یم» به علت آنکه از نظر رعایت وزن شعری صحیح‌تر است می‌تواند دال بر آگاهی نویسنده کاشی از بحرها و قواعد عروضی باشد، به عبارت دیگر بیانگر تسلط نگارنده بر ادبیات بوده است.
۲۳. این بیت در یکی از کاشی‌های موزه دکتر مقدم نیز به همین صورت ضبط شده است (قوچانی، ۱۳۶۲: ۷۷).
۲۴. «آب از دهن مردمک دیده من».
۲۵. مصراع آخر به علت اتمام فضای کتیبه نوشته نشده است.
۲۶. «... تو سیران جهان» به سختی از زیر آسیب دیدگی قابل خواندن است.
۲۷. به دلیل کمبود فضا، هنرمند یکی دو کلمه از آخر مصرع را ننوشت و سایر کلمات این مصرع نیز خوانا نیستند.
28. pinterest

کتابنامه

- ابوالخیر، ابوسعید (۱۳۳۹). رباعیات. تصحیح: مولوی مقصود، چاپ سنگی، دهلی: چاپ اول.

- باباافضل کاشانی (۱۳۱۱). *رباعیات باباافضل*. به تصحیح: سعید نفیسی، طهران: چاپ خانه فردین و برادر.
- بهشتی، احمد (۱۳۵۶). *رباعی نامه*. تهران: روزنه.
- مرقی کاشانی، افضل‌الدین محمد (۱۳۵۲). *رباعیات باباافضل*. تصحیح: مصطفی فیضی، حسن عاطفی، عباس بهنیا، علی شریف. کاشان: اداره فرهنگ و هنرکاشان، چاپ اول.
- بهشی شیرازی، سیداحمد (۱۳۷۲). *رباعی نامه*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. چاپ سوم.
- پورتر، ونیتا (۱۳۸۰). *کاشی‌های اسلامی*. ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مطالعات هنر اسلامی.
- جاجرمی، محمد (۱۳۵۰). *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار*. به اهتمام: میرصالح طبیبی، تهران: انجمن آثار ملی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۵). *دیوان*. به تصحیح: پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی. چاپ دوم.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۶). *زنان مؤدب (تاریخ شعر و ادب زنان ایران زمین)*. تهران: آشیان.
- خاقانی، افضل‌الدین (۱۳۹۱). *دیوان*. به تصحیح: ضیاالدین سیدسجادی، تهران: زوار.
- خزایی، محمد (۱۳۸۰). «شیر نمود امام علی». *کتاب ماه هنر*. فروردین و اردیبهشت. شماره ۳۱ و ۳۲. صص: ۳۷-۳۹.
- خزایی، محمد (۱۳۸۷). «شمسه نقش حضرت محمد (ص) در هنر اسلامی». *کتاب ماه هنر*. شهریور. شماره ۱۲۰. صص: ۵۶-۶۳.
- خیام، عمر (۱۳۷۱). *رباعیات*. به تصحیح: محمدعلی فروغی و قاسم غنی، تهران: عارف.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۵۵). *گنج بازیافته*. تهران: اشرفی.
- دیمانند، موریس اسون (۱۳۸۳). *راهنمای صنایع اسلامی*. ترجمه عبدالله فریار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سنایی، ابوالمجد محدود بن آدم (۱۳۶۲). *دیوان*. به تصحیح: مدرس رضوی، تهران: سنایی.
- سنایی، ابوالمجد محدود بن آدم (۱۳۸۸). *دیوان*. به اهتمام: پرویز بابایی، تهران: نگاه. چاپ سوم.
- شروانی، جمال خلیل (۱۳۷۵). *نزهة المجالس*. تصحیح: محمدامین ریاحی، تهران: علمی. چاپ دوم.
- صدیقیان، حسین و حاج ناصری، پانته‌آ (۱۳۹۵). «سفال زرین فام قرون میانه اسلامی و مراکز تولیدی آن در ایران». *مجله مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی*. سال اول. شماره اول. بهار و تابستان. صص: ۳۷-۴۷.
- صندوقی، صادق (۱۳۷۷). *دوبیتی‌های ابوسعید ابوالخیر*. تهران: آتلیه هنر.
- طهوری، نیر (۱۳۸۱). «کاشی‌های زرین فام دوره ایلخانان مغول». *کتاب ماه هنر*. شماره ۴۵ و ۴۶.
- عراقی، فخرالدین (۱۳۸۴). *دیوان*. تهران: علم. چاپ دوم.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). *شاهنامه*. به کوشش: ژول مول، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹). *شاهنامه فردوسی همراه با خمسه نظامی*. با مقدمه فتح‌الله مجتباتی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). *شاهنامه / نامه باستان*. به کوشش: میرجلال‌الدین کزازی، تهران: سمت.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). *شاهنامه*. نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری (کتابخانه شرقی، وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، شماره NC

- (۴۳). به کوشش: ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، با مقدمه جلال خالقی مطلق، تهران: طلایه.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). شاهنامه. به کوشش: جلال خالقی مطلق، ج ۲ و ۷، تهران: مرکز بزرگ دایره المعارف اسلامی. چاپ سوم.
- فیضی، مصطفی؛ عاطفی، حسن؛ بهنیا، عباس و شریف، علی (۱۳۶۳). دیوان و رساله مفید المستفید بابا/فضل کاشانی. تهران: کتابفروشی زوار.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۶۵). «اشعار فارسی روی کاشی‌های موزه دکتر محسن مقدم». مجله باستان‌شناسی و تاریخ. سال اول. شماره اول. پاییز و زمستان. صص: ۷۶-۸۷.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۷۱). اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کاربونی، استفانو؛ و ماسویا، توموکو (۱۳۸۱). کاشی‌های ایرانی. ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- کمال‌الدین، اسماعیل (۱۳۴۸). دیوان. به اهتمام: حسین بحر العلومی، تهران: کتاب فروشی دهخدا.
- کیانی، محمدیوسف؛ کریمی، فاطمه؛ و قوچانی عبدالله (۱۳۶۲). مقدمه‌ای بر هنر کاشیگری ایران. تهران: موزه عباسی.
- گنجوی، مهستی (۱۹۸۵). رباعیات مهستی. باکو: نشر یازیچی.
- لشکری، آرش؛ شریفی‌نیا، اکبر؛ و مهاجروطن، سمیه (۱۳۹۳). «بررسی نقوش کاشی‌های زرینه‌فام آوه از دوره ایلخانیان». مجله هنر و معماری نگره. شماره ۳۲. صص: ۳۹-۵۴.
- ماهرالنقش، محمود (۱۳۶۱). طرح و اجرای نقش در کاشی‌کاری ایران دوره اسلامی. دفتر اول گره‌کشی، تهران: موزه رضا عباسی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۷۷). شاهنامه‌گ حاشیه ظفرنامه مستوفی. چاپ عکسی از روی نسخه مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا. زیر نظر: نصرالله پورجوادی و نصرت‌الله رستگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۷). تاریخ هنر در ایران در دوره اسلامی تزئینات معماری. تهران: انتشارات سمت.
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۵۱). دیوان شمس. به تصحیح: علی دشتی و بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر. چاپ چهارم.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۹۴). جنگ رباعیات. تهران: سخن.
- نفیسی، سعید (۱۳۵۰). سخنان منظوم ابوالسعید ابوالخیر. تهران: کتابخانه سنایی. چاپ دوم.

- www.metmuseum.org
- www.britishmuseum.org
- www.sothebys.com
- www.louvre.fr/en
- www.ornament-stil.livejournal.com
- www.i.pining.com
- www.pinterest.com